زمانی که گفته شود: نماز را اقامه می کند چه بسا که از آن این نکته استفاده شود که وی کژیهای آن را بر طرف ساخته و به خوبی انجام داده آن گونه که از لغت استفاده می شود. در اقرب [الموارد] آمده (اقام الشئ ازال عوجه) و از کاربرد نماز در قرآن استفاده می شود: اقامه نماز ، آوردن [صحیح] آن است. این استعمال به سی مورد می رسد و در بیش تر آنها (یؤتون الزکاة) و... بر آن عطف گردیده است.)۵۲

نتیجه می گیرد:

(الذین یقیمون الصلوة فهو یفید الاتیان بها صحیحاً خالیاً عن الاعوجاج والانحراف.)۵۳

از این سخن (کسانی که نماز را به پا می دارند) انجام درست و به دور از کژی استفاده می شود. آن گاه اشکالی را مطرح می کند:

قرآن می فرماید: (اقم الصلوة لدلوك الشمس)۵۴ و این نشان می دهد آیه درصدد بیان واجب بودن نماز است نه واجب بودن اقامه و انجام صحیح آن. بنابراین معنای لغوی اقامه با آنچه در قرآن مطرح شده هماهنگ نیست و باید کاربردهای قرآن را مجازی دانست.

ایشان از این اشکال پاسخ می دهد که شاید (اقم الصلوة) و دیگر برگرفته های آن کنایه از انجام صحیح نماز باشد پس از آن که اصل آن از پیش واجب شده باشد۵۵ و آیات; بر درستی انجام آن تأکید دارند.

این نکته و دیگر نگته هایی که در بررسی ریشه و معنای واژگان آورده درخور درنگ است و نشانگر ژرفای اندیشه و توان علمی ایشان در بررسی لغوی و تفسیری آیات.

جایز بودن سجده بر سنگهای معدنی

فقیهان درباره چیزهایی که سجده بر آنها جایز است از دیرباز گفت وگو داشته اند. از جمله آنها سنگهای معدنی است که آیا می شود بر آنها سجده کرد یا خیر؟

در این باب دو دیدگاه وجود دارد:

۱ . بنابر دیدگاه مشهور فقیهان سجده بر سنگهای معدنی جایز نیست; زیرا معدن زمین نیست که به فرموده رسول خدا(ص) زمین سجده گاه است و پاك کننده: (جعلت لی الارض مسجداً و طهوراً.) بنابراین بر سنگهای معدنی سجده جایز نیست. در ریاض المسائل و جواهر الکلام بر این مطلب ادعای اجماع شده است.

۲ . گروهی گفته اند: زمین بر سنگهای معدنی صدق می کند و به کاربردن (احجار کریمه) گواه آن است.

شهید مصطفی خمینی پس از نقل این دو دیدگاه با توجه به آیه شریفه (فاتقوا النار التی وقودها الناس والحجارة اعدّت للکافرین)۵۷ به تواناسازی دیدگاه دوم می پردازد و می نویسد: (ویؤید الاخیر اطلاق الحجارة فی هذه الآیه علی الحجر الخاص القیمی و هو حجر الکبریت کما عن ابن مسعود و ابن عباس و یشهد قوله تعالی (وقودها) فانه یناسب ذلك.)۵۸

دیدگاه دوم و اخیر را تأیید می کند اطلاق سنگ در آیه بر سنگ ویژه گرانبها که سنگ کبریت باشد.همان گونه که از ابن مسعود و ابن عباس روایت شده و شاهد آن کلمه (وقودها)ست که سازواری با سنگ کبریت دارد.

شهید مصطفی خمینی برابر روشی که دارد مسائل را با دقت می شکافد. وی پس از اشاره به فراگیری کاربرد که هم حقیقت و هم مجاز را در بر می گیرد و این که (احجار کریمه) به گونه مجاز به کار رفته و تردید در نظر ابن عباس که سنگ شاید تعبیری کنایی باشد بر این نکته تأکید می ورزد که صورت ظاهری سنگ کبریت مانند سنگ معمولی است یعنی هنوز زمین بر آن اطلاق می شود. دقت و درنگ ایشان نشان می دهد که می توان آیات الاحکام را گستراند و بسیاری از احکام شرعی را با دقت در قرآن بیرون آورد.

روزه

شهید مصطفی خمینی درباره روزه دو نوشته دارد:

۱ . حاشیه بر کتاب روزه تحریر الوسیله امام خمینی.

۲ . کتاب الصوم.

کتاب اخیر بحثهای خارج فقه و دست نوشته های ایشان است که برای نخستین بار دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به چاپ و نشر آن اهمیت گماشته است.

شهید در این اثر به تناسب بحث به آیه هایی از قرآن استناد می جوید:

معنای روزه: روزه در لغت خود نگهداری از چیزهاست یا گونه ای خود نگهداری را گویند. وی بر این مطلب دیدگاههای اهل لغت را گواه می آورد. آن گاه در این معنی تردید می کند; زیرا خود نگهداری در جاهایی با روزه هماهنگ و همسو نیست مانند (فأمساك بمعروف) که نگهداشتن را می رساند و همچنین (آیه های ۱۹ ملك ۶۵ حج ۲۳۱ و ۱۸۷ بقره.

از این اشکال بدین گونه پاسخ می دهد: امساك متعدی بدون حرف که در آیات بالا آمده به معنای حبس; اما آن جا که با (عن) متعدی شده منظور روزه است این مطلب در اقرب الموارد آمده است.

پس از بیان معنای لغوی به تعریفهای اصطلاحی روزه پرداخته و بر آنها اشکال می گیرد.۵۹

روزه در امتهای پیشین: در بیان تاریخ و پیشینه روزه با استفاده از آیات قرآن به بحث می پردازد از جمله خداوند از زبان حضرت مریم می فرماید:

(انّی نذرت للرحمن صوماً فلن اکلّم الیوم انسیاً.)۶۰
من نذر کردم که برای خداوند رحمن روزه بگیرم پس هرگز امروز با انسانی گفت و گو نخواهم کرد.
وی ازاین ایه استفاده می کند که روزه در روزگاران پیشین بوده و این که سکوت جزء روزه بوده یا خیر روشن نیست و با توجه به آیه صوم: (کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم)۶۱ نتیجه می گیرد که روزه در اسلام با روزه مشروع در امتهای پیشین هماهنگی دارد و این دو آیه پیشینه روزه را به زمان حضرت مریم می برد و با توجه به آیه اخیر و روایتی که درباره حضرت آدم وارد شده و روایتی که از علی(علیه السّلام) نقل می کند به این نتیجه می رسد که آدم نخستین روزه گیرنده است.۶۲
باطل کننده های روزه: در کتابهای فقهی و رساله های عملی باطل کننده های روزه نُه چیز یاد شده است; اما تمام از آیات قرآن استفاده نمی شود بلکه بیان می کند آنچه در امتهای گذشته بوده و اسلام آن را پذیرفته سه چیز است: خوردن آشامیدن و آمیزش جنسی و دیگر باطل کننده ها را اسلام افزوده است.
درباره خوردن و آشامیدن خداوند می فرماید:
(کلوا واشربوا حتی یتبیّن لکم الخیط الابیض من الخیط الاسود من الفجر ثمّ اتمّوا الصیام الی اللیل.)۶۳
بخورید و بیاشامید تا هنگامی که رشته سپیده پگاه از رشته سیاه باز نموده شود پس روزه را تا به شب به پایان برید.
از آیه استفاده می شود که نخوردن و نیاشامیدن از امور اولیه است که در روزه واجب است.
آن گونه که از اقرب الموارد۶۴ به دست می آید روزگار پیشین درروزه خوردن و آشامیدن را از نیمه شب تا نیمه روزترك می کردند سپسها خداوند آن را از فجر (اذان صبح) تا شب قرارداد.
بنابراین ساعتهایی از آغاز آن برداشته شده و ساعتهایی به پایان آن افزوده گردیده است.
از تذکره علامه این مطلب به دست می آید که در آغاز اسلام تنها از خوردن و آشامیدن خودداری می کرده اند و آغاز خودداری پس از نماز عشا و یا هنگام خواب تا هنگام عشاء و خواب بوده است.۶۵
این تغییر زمان روزه درهنگام جنگ خندق رخ داد.۵۶
از چیزهایی که پیش از اسلام در هنگام روزه ترك می شده آمیزش جنسی بوده است و در آغاز مسلمانان نیز برابر آن عمل می کردند تا آیه نازل شد:
(احلّ لکم لیلة الصیام الرفث الی نسائکم.)۶۷
بر شما آمیزش با همسرانتان در شب روزه حلال شده است.
آیه نشان دهنده بازدارندگی پیشین است; زیرا تا حرام بودن در کارنباشد حلال شدن صادق نخواهد بود.۶۸ این سه باطل کننده از آیات قرآن به روشنی استفاده می شود.

اقسام روزه: درجهت چهارم (کتاب الصوم) به واجب بودن روزه رمضان برابر کتاب۶۹ و سیره است آن گاه نه دیگر روزه های واجب اشاره می کند که عبارتند از :

۱. روزه قضا;

۲. روزه کفاره;

۳. روزه بدل هَدْی;

۴. روزه نذر و قسم;

۵. روزه اجاره;

۶. روزه روز سوم اعتکاف;

۷. روزه پدر بر پسر بزرگ تر.۷۰

ازاین هفت قسم چهار قسم آن در قرآن یاد شده که به آنها اشاره می شود:

۱ . روزه قضاء:

درروزه قضاء بحث می شود که واجب عنوان روزه است یا عنوان قضا؟ شاید در روزه بر خلاف نماز بتوان پذیرفت که واجب عنوان روزه است; زیرا خداوند می فرماید:

(فمن شهد منکم الشهر فلیصمه ومن کان مریضاً او علی سفر فعدة من ایام اخر.)۷۱

هر کس در ماه رمضان [سالم و حاضر] بود روزه بگیرد و کسی که مریض و یا در سفر بوده روزهای دیگری را روزه بگیرد.

می فرماید: (روزهای دیگری را روزه بگیرد) و نمی فرماید:(در روزهای دیگر قضای آن را به جای می آورد.)

بنابراین نفس روزه واجب خواهد بود; اما این بیان درباره قضای روزه ای که از روی عمد و یا نادانی ترك شده باشد درست به نظر نمی رسد; یعنی در این موارد باید عنوان (قضا) را در نظر بگیرد.۷۲

۲ . روزه به جای قربانی:

آنچه در روزه به جای قربانی و هدی واجب شده عنوان روزه است۷۳; زیرا خداوند می فرماید:

(فمن لم یجد فصیام ثلثة ایام فی الحج وسبعة اذا رجعتم تلك عشرة کاملة.)۷۴

پس کسی که قربانی نداشت سه روز در روزهای حج روزه بگیرد و هفت روز زمانی که بازگشت. این ده روز کامل است.

۳ . روزه کفاره:

بحث ایشان در روزه کفاره به گونه فشرده درباره نیت آن است۷۵. گروهی در نیت عنوان روزه را واجب دانسته اند و گروهی عنوان کفاره را در نتیجه واجب بودن روزه عقلی خواهد بود.
قرآن از چهارگونه روزه کفاره نام می برد:
۱. کفاره قتل اشتباهی دو ماه پی در پی روزه است برای کسی که توان پرداخت دیه را نداشته باشد: (فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین.)۷۶
۲ . کفاره تخلف از سوگند سه روز روزه است: (فمن لم یجد فصیام ثلثة ایام.)۷۷
۳ . کفاره صید در روزهای حج سازوار با صیدی که حج گزار انجام داده خوراندن یا روزه است: (او عدل ذلك صیاماً.)۷۸
۴ . کفاره ظهار. اگر مرد بعد از سوگند خود به همسرش مراجعه بکند باید غذا بدهد و در صورت نداشتن توان مالی دو ماه پی درپی روزه بگیرد: (فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین.)۷۹
شاید علت تعیین روزه برای کفاره این باشد که این عمل عبادی نقش مهمی در سازندگی و مبارزه با نفس دارد و زمینه سرکش و پیروی از نفس را از بین می برد.

حجاب در قرآن

شهید آقا مصطفی درحاشیه نکاح تحریرالوسیله در سه موضوع درنگ کرده است: نگاه اندازه پوشیدگی زن از مرد بیگانه و آمیزش غیرمتعارف با همسر که به بحث در دو موضوع نخست می پردازیم.
درباره نگاه مرد به زن سه دیدگاه وجود دارد:
۱ . نگاه به صورت زن به هیچ روی وجایز نیست به قصد لذت بردن و بدون آن.
۲. جایز است چه با لذت و چه بدون لذت.
۳ . نگاه نخست جایز و تکرار آن نارواست.۸۰
ایشان در برابر این که نگاه به قصد لذت به هیچ روی جایز نباشد قول دیگری را یاد می کند که نگاه نخست جایز است و این نکته را در جمع بین اخباری که می گویند: نگاه نخست به سود تو و دوم به زیان توست و روایاتی که می گویند: نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان است بیان می کند و اظهار می دارد: قدر متیقن حرام بودن نگاه شهوت آمیز است.۸۱
ایشان بر این باور است: نگاه مرد به زن بدون قصد لذت اشکال ندارد; زیرا زنان بخشی از جامعه اسلامی هستند و آمدوشد آنان در جامعه امری طبیعی است وی به گونه ای پیوستگی عرفی بین استثنای صورت و دستها از پوشش و جایز بودن نگاه قائل است و در پایان بحث می نویسد:

(و با تمام این مباحث نص روشنی وارد نشده است که مردان را از نگاه کردن به زنان باز دارد بلکه ظاهر برخی روایات بر جایز بودن آن دلالت دارد.)۸۲

پس بنابراین دیدگاه زنان می توانند در مسائل اجتماعی شرکت بجویند و به تلاشهای اقتصادی و... بپردازند.۸۳

تأیید کننده نظر ایشان سیره رسول خدا(ص) براستثنای صورت و دستهاست:

روایت گران روایت کرده اند : زنی به نام منیعه با روبند خدمت پیامر رسید حضرت به وی خرده گرفت و فرمود:

یبا امة الله! اسفری فانّ الاسفار من الاسلام وان النقاب من الفجور.۸۴

ای کنیز خدا! روی خویش را باز بگذار; زیرا بازگذاردن روی از اسلام و روی بند از فجور است.

و درروایتی دیگر خطاب به اسماء دختر ابوبکر می فرماید:

(وقتی که زن به حد بلوغ رسید باید تمام بدنش را از نامحرمان بپوشاند به جز صورت و دو دست خود را.)۸۵

آیات حجاب

ایشان دربحث پوشش زنان به آیاتی استناد جسته است که اکنون چگونگی استناد جویی ایشان را فرا دید می نهیم:

(قل للمؤمنین یغضّوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلك ازکی لهم ان اللّه خبیر بما یصنعون.)۸۶

به مردان مؤمن بگو دیدگان فروخوابانند و دامنهای خود حفظ کنند. این برای شما پاکیزه تر است. خدا بدانچه می کنید آگاه است.

(وقل للمؤمنات یغضضن من ابصارهنّ و یحفظن فروجهنّ ولایبدین زینتهُنّ الاّ ما ظَهَر منها وَلْیَضْرْبْن بخُمُرهنّ علی جیُوبهنّ ولایبدین زینتهنّ الاّ لبعولتهن او... او الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء ولایضربْن بارجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهن وتوبوا الی اللّه جمیعاً ایّها المؤمنون لعلّکم تفلحون.)۸۷

به زنان مؤمن بگو دیدگان خویش را فرو خوابانند و دامنهای خویش را حفظ کنند و زیور خویش ننمایانند مگر آنچه پیداست. سرپوشهای خویش بر گریبانها بزنند زیور خویش ننمایانند مگر برای شوهران... یا کودکانی که از راز زنان آگاه نیستند و پای به زمین نکوبند که زیورهای پنهانشان دانسته شود. ای گروه مؤمنان! همگی به سوی خداوند توبه برید باشد که رستگار شوید.

شأن نزول: درکتاب کافی از امام باقر(علیه السّلام) در شأن نزول این آیات روایت شده است:

(جوانی از انصار در کوچه های مدینه با زنی رو به رو شد [زنان در آن روزها مقنعه را در پشت

گوشهای خود قرار می دادند به گونه ای که گردن و مقداری از سینه ها نمایان بود] و به چهره وی نگریست و پشت سر وی به راه افتاد. ناگهان چهره اش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا شیشه ای که در دیوار بود چهره اش را شکافت. جوان به خود آمد و متوجه شد خون به لباس و سینه اش می ریزد. با خودگفت: به خدا سوگند خدمت پیامبر می روم و ماجرا را باز می گویم. پیش رسول خدا رفت و جریان را به آن حضرت باز گفت. در این هنگام جبرئیل نازل شد و آیات بالا را فرود آورد.)۸۸

شهید آقا مصطفی پس از نقل شأن نزول آیه های بالا به تفسیر و شرح آنها می پردازد و اندازه پوشش بایسته را برای زن مسلمان بیان می کند.

وی بر این باور است که این آیه های شریفه درصدد استثنای چهره و دستها نیست بلکه می خواهند از ظاهر شدن زینتهای طبیعی شهوت برانگیز زن جلوگیری کنند. برای روشن شدن آیه های شریفه و دیدگاه ایشان که دیدگاه نو و تفسیر جدیدی درباره ایه است پرسش هایی را طرح می کنیم آن گاه دیدگاههای گوناگون را درباره آیه شریفه ارائه می دهیم.

۱ . دو آیه شریفه در صدد بیان چه حکمی هستند؟

۲ . چیزی که زنان و مردان مؤمن باید از آن چشم بپوشند چیست؟

۳ . زینت در آیه شریفه زینت طبیعی است یا مصنوعی؟

۴ . بنابراین که زینت طبیعی باشد منظور از (ماظهر) در آیه چیست؟

۵ . آیا استثنای چهره و دو دست از آیه استفاده می شود یا آیه در صدد بیان مطلب دیگری است؟

در پاسخ به پرسش نخست می توان گفت: آیه در صدد بیان حکم نگاه است و تمام مفسران براین نظرند. ایشان پس از بیان نزول آیه می نویسد:

(آیه در مورد نگاه است و درباره واجب بودن پوشش از نگاه بیگانه. پس آیه از این جهت اجمال ندارد برابر آنچه بسیاری از ارباب تفسیر گفته اند.)۸۹

اما این که لازم باشد زن از هرگونه نگاه خود را بپوشاند تردید می کند و پوشش فی الجمله را می پذیرد; یعنی پوشش به غیر چهره و دو کف را ضروری و اجماعی می داند. بحث در جاهای استثنایی است که در کلام فقهاء و یا اخبار ویژه آمده که باید دیداز آیه قرآن چه استفاه می شود.۹۰

اما در پاسخ به پرسش دوم که مؤمنان باید نگاه خود را از چه چیز فرو خوابانند و مؤمنات باید خود را از چه چیز بپوشانند بر این نظرند که قرآن آن را به فهم عرف واگذارده و در نتیجه باید مسلمان خود را از هر آفت عرفی و خلاف عقلی و حرام شرعی حفظ کند.۹۱

پاسخ کامل به این پرسش و سه پرسش بعدی و روشن شدن عبارت ایشان درحاشیه تحریر بستگی دارد به شرح و ارائه دیدگاههایی که درباره زینت در آیه شریفه یاد کرده اند:

معنای زینت: زینت را به معنای پیرایه آرایش و زیور دانسته اند و در کتابهای لغوی زَیْن به

خلاف و نقیض شَیْن معنی شده است.
خلیل بن احمد (م:۱۷۵) می نویسد:
(الزین: نقیض الشین. زانه الحسن یزینه زیناً وازدانت الارض بُعشبها... والزینة جامع لکلّ ما تیزّین به.)۹۲
زین نقیض و ضد شین است. نیکویی او را آرایش داد. و زمین به واسطه گیاهانش زینت و آرایش یافت. و واژه زینت دربرگیرنده هر چیزی است که به آن آرایش شود.
احمدبن فارس درمقاییس اللغه می نویسد:
(زین اصل صحیحی است که دلالت بر نیکویی و زیبایی چیزی دارد. پس زَین ضد و نقیض شَین است. گفته می شود: فلان چیز را آرایش دادم. زیبایی زمین به خاطر رویش گیاهان است. و گفته می شود: زَین در اصل به معنای تاج خروس است.۹۳
در لسان العرب ابن منظور نیز زَین به خلاف شَین معنی شده و زینت هر چیزی را که آراسته شده باشد در بر می گیرد.۹۴
بنابراین بیش تر موارد کاربرد زینت در لغت به معنای طبیعی آن است گرچه برای زینتهای دیگر شاید به کار برده شود.
اما زینتی که در قرآن آمده به دید گروهی از صاحب نظران کم تر به معنای زینت طبیعی به کار می رود.)۹۵
در برابر این دیدگاه کسانی بر این باورند که زینت در قرآن به معنای زینت طبیعی است.۹۶
بی گمان حلی و حلیه در قرآن به معنای زینتهای مصنوعی به کار رفته است مانند: گوشواره خلخال و...
زینت و آرایش مصنوعی زنان دو گونه است: آن که جدای از بدن است که به آن حلیه گفته می شود و آن که همراه بدن است مانند: سرمه رنگ مو آرایش صورت و...
اکنون باید دید مفسران و صاحب نظران زینت درقرآن را به چه معنی گرفته اند:

پی نوشتها:

۵۲ . همان مدرك۲۴۱/.
۵۳ . همان مدرك۲۴۳/.
۵۴ . سوره (اسراء) آیه ۷۸.
۵۵ . (تفسیرالقرآن الکریم) ج۲/۲۴۲.
۵۶ . (ریاضی المسائل) طباطبائی ج۲/۲۹۹ چاپ سنگی; (جواهر الکلام) محمد حسن نجفی ج۵/۱۳۰ دار احیاء التراث العربی.
۵۷ . سوره (البقره) آیه ۲۴.

۵۸ . (تفسیر القرآن الکریم) ج۴/۵۱.
۵۹ . (کتاب الصوم) سید مصطفی خمینی۱۷/ ـ ۱۸ دفتر تبلیغات اسلامی.
۶۰ . سوره (مریم) آیه ۲۶.
۶۱ . سوره (بقره) آیه ۱۸۳.
۶۲ . (کتاب الصوم)۲۲/ ـ ۲۳.
۶۳ . سوره (بقره) آیه ۱۸۷.
۶۴ . (اقرب الموارد) شرتونی ج۱/۶۷۰.
۶۵ . (کتاب الصوم)۲۳/.
۶۶ . همان مدرك۲۸۳/; (تفسیرنورالثقلین) ج۱/۱۷۲.
۶۷ . سوره (بقره)۱۸۷/.
۶۸ . (کتاب الصوم)۲۳/.
۶۹ . سوره (بقره)۱۸۵/.
۷۰ . (کتاب الصوم)۲۴/ ۲۶.
۷۱ . سوره (بقره) ایه ۱۸۵.
۷۲ . (کتاب الصوم)۲۵/.
۷۳ . همان مدرك.
۷۴ . سوره (بقره) آیه ۱۹۴.
۷۵ . (کتاب الصوم)۲۵/.
۷۶ . سوره (نساء) آیه ۹۲.
۷۷ . سوره (مائده) آیه ۸۹.
۷۸ . سوره (مائده) آیه ۹۵.
۷۹ . سوره (مجادله) آیه ۴.
۸۰ . (تحریر الوسیله) امام خمینی ج۲/۲۴۳.
۸۱ . (حاشیه تحریرالوسیله کتاب النکاح۲۹/ دستنوشته.
۸۲ . همان مدرك.
۸۳ . (مسئله حجاب) استاد شهید مطهری۱۸۴/ ۱۸۵ انشارات صدرا.
۸۴ . اسدالغابه ابن اثیر ج۷/۲۷۲ شماره ۷۲۹۶ دارالشعب مصر.
۸۵ . (المفصل فی احکام المرأة والبیت المسلم فی الشریعة الاسلامیة) دکتر عبدالکریم زیدان ج۳/۳۳۵ مؤسسة الرساله بیروت ۱۴۱۵ چاپ دوم.
۸۶ .سوره (نور) آیه ۳۰.
۸۷ . سوره (نور) آیه ۳۱.
۸۸ . (حاشیه تحریر) کتاب النکاح۳۹/ دستنوشته.

۸۹ . همان مدرك۲۵/.
۹۰ . همان مدرك۲۳/.
۹۱ . همان مدرك.
۹۳ . (مقائیس اللغة) احمد بن فارس ج۳/۴۱.
۹۴ . (لسان العرب) ابن منظور ج۱۳/۲۰۱ ۲۴۴ واژه زین و شین.
۹۵ . (تفسیرنمونه) مکارم شیرازی ج۱۴/۴۳۹ دار الکتب الاسلامیه تهران.
۹۶ . مجله (حوزه) شماره ۵۵/۱۶۴; شماره ۴۲/۱۳۸; شماره ۴۸/۱۵۹ مقاله حجاب شرعی و نقد و پاسخ آن.

ادامه دارد .....

*** ارسال مقاله توسط عضو محترم سایت با نام کاربری : sm1372**

/خ

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.